

مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۸

تاریخ وصول: ۸۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۲

صص ۱۱-۲۶

تجزیه و تحلیل توزیعی، نقشی و معنایی گروه قیدی در زبان فارسی

جلال رحیمیان^۱

چکیده

در تحلیل مقوله‌های نحوی، ایجاد تمایز میان سه جنبه توزیعی، نقشی و معنایی امری ضروری است. این تحقیق با نگاهی منتقدانه به برخی از مهمترین توصیف‌های گذشته در باب گروه‌های قیدی، نشان داده است که بیشتر تحلیل‌های موجود در باب گروه‌های قیدی یا توصیفی ناقص و یا تصویری مخدوش از این مقوله ارائه کرده‌اند. در این تحقیق، برای نخستین بار هفت ملاک توزیعی برای تمایز صوری گروه‌های قیدی فارسی از دیگر مقوله‌های نحوی ارائه شده است. تشریح تفصیلی نقش‌های نحوی مترتب بر گروه‌های قیدی جایگاه خاصی در این تحقیق داشته است. در بخش پایانی ضمن اذعان به وجود نقش معنایی گوناگون برای گروه‌های قیدی، تنها به برخی از مهمترین نقش‌ها اشاره شده است. از ویژگی‌های مهم این تحقیق، بهره‌گیری از یک چارچوب مشخص متعارف و پرهیز از تعاریف ذهنی است. زدودن ابهام‌های موجود در باب ماهیت گروه‌های قیدی فارسی از دست‌آوردهای مهم این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: قید، گروه‌های قیدی، ویژگی‌های توزیعی، نقش‌های نحوی، نقش‌های معنایی

۱. مقدمه و هدف تحقیق

پژوهش‌های زبان‌شناختی جدید در چند دهه اخیر در ایران جایگاه شایسته‌ای پیدا کرده است. با این حال، نگاهی گذرا به برخی از توصیفات و تحلیل‌های دستوری حاکی از آن است که گروه قیدی از سه جنبه توزیعی، نقشی و معنایی بررسی دوباره‌ای را می‌طلبد. در بسیاری از تحلیل‌های موجود، نگاه به مقوله قید و گروه قیدی فارسی به طور عمده ذهنی است که این نوع نگرش، به‌جای آشکار ساختن ماهیت مقوله مزبور، در بسیاری از موارد، بر ابهام‌های موجود در ذهن مخاطب می‌افزاید (گیوی و انوری ۱۳۷۰). در برخی منابع جدید نیز جنبه‌های سه‌گانه فوق چنان با هم ترکیب شده‌اند که خواننده قادر به درک و تمایزهای جنبه‌های مزبور از یکدیگر نخواهد شد (مشکوة الدینی، ۱۳۷۹). همچنین، در برخی از پژوهش‌ها تنها یک جنبه یا حداکثر دو جنبه از ابعاد فوق بررسی شده است که به توصیف ناقصی از گروه قیدی می‌انجامد (غلامعلی زاده ۱۳۷۴).

تحقیق حاضر، پس از مروری نقادانه بر مهمترین تحلیل‌ها در باب گروه قیدی فارسی، بر آن است تا تحلیلی مطابق با واقع از گروه‌های قیدی از سه جنبه صوری، نقشی و کاربردی ارائه دهد. در بخش ۶، ملاک‌های لازم توزیعی برای تشخیص و تمایز صوری گروه‌های قیدی از دیگر مقوله‌های دستوری به دست داده خواهد شد. در بخش ۷، نقش‌های نحوی گروه‌های قیدی فارسی بیان و بررسی و تحلیل نقش‌های معنایی گروه قیدی در بخش ۸ انجام خواهد شد.

۲. اهمیت تحقیق

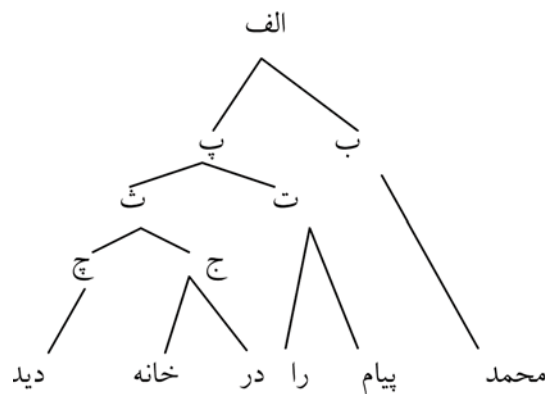
ارائه تحلیل‌های واقع‌گرا در هر حوزه‌ای از دستور از ضروری‌ترین نیازهای مطالعات زبان‌شناختی امروز فارسی است. منظور از تحلیل واقع‌گرا آشکار سازی ماهیت مقوله‌های دستوری آنگونه است که از سوی عامه گویشوران فارسی به کار گرفته می‌شود. تحلیلی این‌گونه از آن جهت حایز اهمیت است که ابهام‌های موجود و برداشت‌های نامطلوب از هر مقوله نحوی را به شکلی علمی و عملی از ذهن مخاطب خواهد زدود. فراهم سازی زمینه درک صحیح مقوله‌های دستوری یکی از مهمترین رسالت‌های زبان‌شناسی جدید است. این تحقیق نیز کوششی در این راستاست.

۳. چارچوب، روش و داده‌های تحقیق

از میان جدیدترین پژوهش‌های دستوری که در آنها تمایزی آشکار میان صورت و نقش مقوله‌های دستوری ایجاد شده است، می‌توان به هادلستون و پلوم (۲۰۰۲) اشاره کرد. این اثر علاوه بر نگاه خاص به مقوله‌های نحوی، نگرشی جهانشمول هم به مقوله‌های مزبور دارد و الگوی مناسبی برای تحقیق حاضر است. به منظور آشنا ساختن مخاطبان این تحقیق به گونه‌ای کلی با مفاهیم بنیادی چارچوب نظری خود، نکات مختصری در زیر ارائه می‌گردد. چارچوب نظری این تحقیق اثری مکتوب به نام دستور زبان انگلیسی کمبریج است که برآمده از تحقیقات ده ساله پانزده نفر از سرشناس‌ترین زبان‌شناسان معاصر به سرپرستی رادنی هادلستون و جفری پلوم بوده و در سال

۲۰۰۲ میلادی از سوی مرکز نشر دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده است. از مبانی اساسی این چارچوب اعتقاد به سه سطح توصیف در مباحث دستوری است که به ترتیب عبارت است از توصیف صوری، توصیف نقشی و توصیف معنایی مقوله‌های دستوری. بر این اساس، بنیادی‌ترین مفاهیم رویکردی این دستور زبان در تجزیه و تحلیل مقوله‌های زبانی را می‌توان در چهار جنبه دید: نخست، اعتقاد این رویکرد به حاکمیت نظام سلسله مراتبی بر زبان در ترکیب عناصر در قالب گروه، بند و جمله، و همچنین تجزیه جمله، بند و گروه به اجزا کوچکتر. جمله زیر و اجزای ساختی آن را ملاحظه کنید:

(۱) محمد پیام را در خانه دید



نحوه تشکیل ساخت (۱) آن‌گونه که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، به این صورت است که ابتدا واژه در با خانه ترکیب شده و سازه درخانه را تشکیل می‌دهد. این سازه نیز در ترکیب با دید، سازه درخانه دید را می‌سازد. پیام نیز پس از ترکیب با را، سازه پیام را درست می‌کند. ترکیب دو سازه اخیر، با یکدیگر سازه بزرگتری را به نام پیام را در خانه دید می‌سازد. در نهایت ترکیب سازه محمد با سازه مزبور به تشکیل محمد پیام را در خانه دید می‌انجامد. تجزیه این ساخت به اجزای تشکیل دهنده آن نیز فرآیندی عکس فرآیند اخیر است: بدین معنا که ساخت فوق، ابتدا به دو سازه محمد و پیام را در خانه دید تجزیه می‌شود. سپس، پیام را در خانه دید به دو سازه پیام را و درخانه دید تقسیم می‌شود. در مرحله بعد، درخانه دید به درخانه و دید تجزیه می‌شود. پیام را نیز به نوبه خود به پیام و را تقسیم می‌شود. در نهایت درخانه نیز به در و خانه تجزیه می‌شود. در این نوع تحلیل، بالاترین گره در نمودار فوق یعنی گره (الف) از نظر سلسله مراتبی بر تمام گره‌ها و سازه‌های تحت حاکمیت آنها حاکمیت دارد. گرهی که بلافاصله پائین‌تر از گره نخست قرار دارد؛ یعنی گره (ب) بر سه گره دیگر پایین‌تر از خود حاکمیت دارد و الی آخر.

دوم، اینکه هر سازه متعلق به یکی از گروه‌ها یا طبقه‌های نحوی است. برای مثال، در نمودار (۲) سازه‌های (ب)، (پ) و (ت) را به ترتیب اسم خاص، گروه فعلی گسترده و گروه اسمی می‌نامیم. انتخاب این نوع برجسب‌ها برای مقوله‌های فوق نیز مبتنی بر ویژگی‌های صوری و ساختی است که به جهت پرهیز از اطناب از آن می‌گذریم. سوم، اینکه، هر سازه فارغ از اندازه آن، هر گاه در بافت کلام ظاهر شود، به طور حتم نقشی نحوی بر آن مترتب است. برای نمونه، سازه‌های (ب) و (پ) به ترتیب در نقش فاعل و گزاره ظاهر شده‌اند. چهارم، اینکه بر هر سازه از جمله،

دست کم یک معنا مترتب است که غفلت از آن موجب ناقص شدن هر تحلیل زبانی خواهد شد. برای مثال، در نمودار فوق، محمد و خانه به ترتیب در نقش معنایی تجربه‌گر و مکان ظاهر شده‌اند.

داده‌های تحقیق تا حد امکان از رسانه‌های جمعی از قبیل روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون گرفته شده است. اما هر جا که دستیابی به شواهد لازم از طریق منابع فوق میسر نبوده، از نمونه‌های خود ساخته که با مشورت با زبان‌شناسان فارسی زبان از طبیعی بودن آنها مطمئن می‌شویم، استفاده شده است. شیوه تحقیق در تهیه پیشینه به روش کتابخانه‌ای و در بخش اصلی از نوع تحلیلی-توصیفی خواهد بود.

در مرحله نخست، ویژگی‌های توزیعی لازم برای متمایز ساختن گروه قیدی فارسی از گروه صفتی ارائه خواهد شد. در مرحله بعد نقش‌های نحوی گروه‌های قیدی در فارسی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در این بخش از تحقیق به تمایزهایی پرداخته خواهد شد که پیش از این مورد عنایت قرار نگرفته است. در مرحله پایانی نوبت به تحلیل نقش‌های معنایی گروه قیدی در فارسی خواهد رسید. در بخش (۵) این تحقیق، منظور از تمایز میان صورت، نقش نحوی و نقش معنایی هر مقوله روشن خواهد شد.

۴. پیشینه تحقیق

رحیمیان (۱۳۸۱) معتقد است که در توصیف‌های دستوری، باید سه جنبه اساسی را که شامل صورت، نقش نحوی و نقش موضوعی (یا نقش معنایی) هر مقوله است مد نظر داشت، غفلت از هر یک از این سه جنبه به ارایه توصیفی ناقص از مقوله‌های دستوری خواهد انجامید. همان‌گونه که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، جمله (۳) از سه گروه اسمی، یک گروه حرف اضافه و یک گروه فعلی تشکیل شده است. نقش‌های نحوی عناصر این جمله نیز فاعل (Subject)، ادات (adjuncts)، مفعول مستقیم و گزاره‌ساز (prediator) است. همچنین، نقش‌های موضوعی مربوط به جمله مزبور کنشگر (agent)، زمان (time)، پذیرا (patient)، جایگاه (location) و عمل (action) است. برپایه این بحث مختصر و با الهام از رحیمیان (۱۳۸۱)، سه سطح مختلف توصیف را برای جمله (۲) می‌توان به صورت آنچه در جدول شماره یک آمده است، نشان داد.

(۲) . . . ایران صبح دیروز ماهواره ملی را به فضا پرتاب کرد. [خبر جنوب ۱۶/۱۱/۸۷ ص ۳۳]

پرتاب کرد	به فضا	ماهواره ملی را	صبح دیروز	ایران	
گروه فعلی	گروه حرف اضافه	گروه اسمی	گروه اسمی	گروه اسمی	صورت
گزاره ساز	ادات	مفعول مستقیم	ادات	فاعل	نقش نحوی
عمل کنشگر	جایگاه قرار ماهواره	پذیرا	زمان رخداد	کنشگر	نقش موضوعی

جدول نقش‌های سه‌گانه مقوله‌های نحوی

رحیمیان (همان: ۵۷) از دیدگاه معنایی قید را کلمه‌ای می‌داند که ویژگی معینی را به سه قسم از کلمات یعنی فعل، صفت یا قیدی دیگر نسبت می‌دهد:

(۳) الف. شورا در این مورد خردمندانه پاسخ داد.

ب. این نقاشی بسیار زیباست.

پ. شما خیلی عجولانه تصمیم گرفتید.

رحیمیان (همان: ۵۹) پنج طبقه از قیود را معرفی می‌کند که عبارتند از قید مکان، قید تکرار، قید حالت، قید درجه و قید جمله. وی نیز مانند بسیاری دیگر از توصیف‌ها، نگاه خود را بیشتر به جنبه‌های معنایی قید معطوف داشته است.

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۷۹: ۲۱۴-۱۹۹) تحت عناوین گروه حرف اضافه‌ای و گروه قیدی و رابطه دستوری قید تمایز لازم را میان جنبه‌های صوری، نقشی و معنایی پدیده قید و گروه قیدی آنچنان که در جدول شماره یک نشان داده شد، ایجاد نمی‌کند و این امر، ابهام‌های فراوانی را در ذهن مخاطب نسبت به ماهیت پدیده قید ایجاد می‌کند. نامبرده اصطلاح یکسانی به نام قید را برای دو مفهوم متمایز دستوری و نقشی به کار می‌گیرند که باعث ابهام در ذهن مخاطب می‌شود. از نظر ایشان واژه قید هم نشان دهنده نقش دستوری و هم بیانگر نقش معنایی است. در این باب می‌توان به بحث مشکوٰۃ‌الدینی (همان: ۲۰۲-۲۰۰) در باب گروه‌های حرف اضافه‌ای از: *در تابستان، در خانه، از کار زیاد، با شوهرش و به خدا نگاه کرد.* مشکوٰۃ‌الدینی (همان: ۲۰۸-۲۰۷) پس از ارائه تعریف ناقص و مبهم از گروه قیدی، به سراغ رابطه‌ای می‌رود که آن را رابطه دستور قیدی می‌نامد و ادعا می‌کند که "گروه قیدی تنها رابطه دستوری قید را داراست" و همچنین اضافه می‌کند که "...سازه‌ها یا واحدهای نحوی گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای نیز ممکن است رابطه دستوری قید را دارا باشند. همچنین، وابسته قیدی نیز رابطه دستوری قید را داراست." مشکوٰۃ‌الدینی (همان: ۲۰۸) همچنین با ارائه تعریفی کاملاً ذهنی از قید آن را رابطه دستوری سازه‌ها یا واحدهایی می‌داند که "به یکی از مفاهیم زمان، مکان، چگونگی، منظور، سبب علت و جز اینها اشاره می‌کنند".

توصیف سمیعی و همکاران (۱۳۸۶) از گروه قیدی چنان کلی و مبهم است که گاهی فرد با استفاده از آن حتی قادر به تشخیص مرز میان گروه اسمی و گروه قیدی نخواهد بود. ایشان گروه قیدی را سازه‌ای می‌دانند که یک قید و یک یا چند وابسته دارد و قید را اصطلاحی می‌پندارند که برای بیان یکی از نقش‌های گروه‌های حرف اضافه‌ای به کار می‌رود. از همین مختصر می‌توان دریافت که ایشان در شرح هیچ کدام از جنبه‌های سه‌گانه جدول شماره یک موفق نبوده‌اند.

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۴) نه تنها تمایز قابل قبولی را میان قید و گروه حرف اضافه‌ای ایجاد نمی‌کند بلکه به جای ارائه ملاک‌های صوری و توزیعی قیود به بیان مصادیق گوناگون قید می‌پردازد و از این رو قادر به ایجاد تمایزی نظام‌مند میان سه سطح توصیف بیان شده در جدول شماره یک نیست.

افراشی (۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۴) نیز مانند بسیاری از منابع دیگر، بدون بیان ویژگی‌های صوری یا ماهوی قید، آن را هسته گروه قیدی دانسته و به ارایه مصادیقی از گروه‌های قیدی و جایگاه آن در جمله اکتفا کرده است. شفائی (۱۳۶۳) با استفاده از اصطلاح نامأنوس ظروف به تشریح مفاهیمی می‌پردازد که به طور عمده به وسیله گروه‌های قیدی، گروه‌های حرف اضافه‌ای و گاهی گروه‌های اسمی بیان می‌شوند. وی تنها با ارایه یک ملاک صوری برای تشخیص ظروف به شش مصداق کلی از آنها اشاره می‌کند که عبارتند از: ظروف زمان، مکان، چگونگی و حالت، کمیت و مقدار، سبب، و مقصد. نقد اساسی بر تحلیل شفائی این است که ایشان نه‌نگاهی کاملاً صوری و نه‌نگاهی تماماً معنایی به مقوله قید و گروه قیدی دارند. ایشان حتی در بحث خود در باب ظروف (همان: ۱۲۱)، اصطلاح معنایی ظرف را هم‌ردیف و مورد مقایسه با اصطلاح صوری صفت قرار داده است که اعتبار تحلیل وی را مورد تردید قرار می‌دهد.

غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴: ۴۸) چنین می‌نویسد که "اصطلاح قید در کتابهای دستور زبان عموماً به دو مفهوم متفاوت به کار برده شد است. در بسیاری موارد، اصطلاح قید دلالت بر مقوله واژگانی قید می‌کند. . . . وی می‌افزاید "اما قید به منزله عنوانی برای نمایاندن یک نقش نحوی نیز به کار برده می‌شود؛ مثلاً گروه حرف اضافه دار [با اتوبوس] در جمله زیر نقش قید را ایفا می‌کند: / او دیروز با اتوبوس به شیراز رفت ". غلامعلی‌زاده (همان: ۱۱۱) ساخت گروه قیدی را بسیار شبیه گروه صفتی پنداشته و معتقد است که "گروه قیدی از یک قید به منزله هسته و یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین تشکیل می‌یابد".

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، غلامعلی‌زاده نیز به مانند شماری دیگر از دستور نویسان فارسی با استفاده از اصطلاحی یکسان برای آنچه ما به عنوان گروه قیدی و گروه حرف اضافه‌ای می‌شناسیم، ماهیت گروه قیدی را در پرده‌ای از ابهام قرار می‌دهد. همچنین باید عنایت داشت که برخلاف رأی ایشان، گروه‌های قیدی بیش از یک وابسته پیشین نیز به خود می‌پذیرند. در نمونه زیر ظاهراً و بسیار به عنوان وابسته پیشین مطرحند:

۴) حسن ظاهراً بسیار عاقلانه‌تر از تو عمل کرد.

رفتار نحوی دو قید ظاهراً و بسیار متفاوت است؛ بدین معنا که بسیار از جهت نظری تا بی‌نهایت قابل تکرار است، در حالی که ظاهراً این ویژگی را ندارد و تکرار آن موجب غیرقابل قبول شدن ساخت فوق خواهد شد. داوونینگ (۲۰۰۶)، ضمن بیان تشابه‌های ساختی گروه صفتی و گروه قیدی، این دو نوع گروه را با ملاک‌های نقشی و معنایی از یکدیگر متمایز می‌سازد. بر اساس بیان وی، قید ظرفیت مقید ساختن هرکدام از چهار مقوله فعل، بند، صفت و قید غیر از خود را دارد. کاتامبا (۲۰۰۶: ۳۴۸) نیز بدون ارایه تعریفی از قید، گروه قیدی را عبارتی می‌داند که هسته آن یک قید است.

۵. سطوح سه‌گانه توصیف

بر اساس آنچه در بخش نخست از پیشینه تحقیق و با اشاره به رحیمیان (۱۳۸۱) بیان شد، مقوله‌های دستوری از سه جنبه قابل بررسی است: جنبه صوری، نقش نحوی و نقش معنایی.

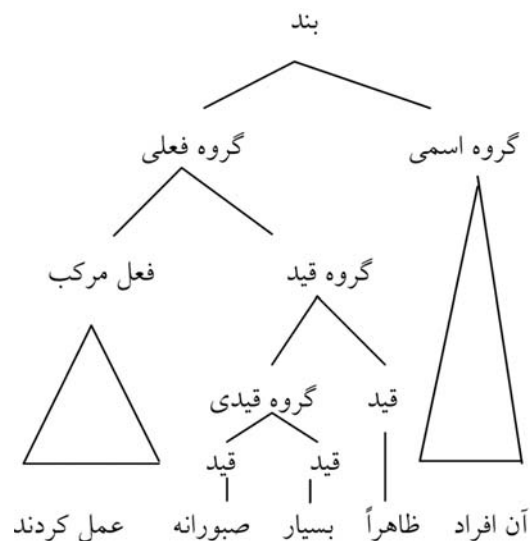
۵-۱. نقش‌های صوری (توزیعی) مقوله‌های نحوی

هر مقوله نحوی نامی دارد که با آن شناخته می‌شود. برخی از این مقوله‌ها عبارتند از اسم، فعل، صفت، قید، حرف اضافه، حرف تعریف و امثال آن. هر کدام از این مقوله‌ها به نوبه خود به عنوان مهمترین عضو (یا به بیانی تخصصی، هسته) در مقوله‌ای بزرگتر به کار می‌رود. برای نمونه هرگاه یک اسم به عنوان مهمترین عنصر یک گروه به کار رود، آن گروه را گروه اسمی می‌نامیم. و به همین شکل، هرگاه صفت اصلی‌ترین عضو یک گروه باشد، آن مقوله، گروه صفتی خوانده می‌شود. مثال زیر را بنگرید:

(۵) آن افراد ظاهراً بسیار صبورانه عمل کردند.

در مثال فوق، ظاهراً بسیار صبورانه را یک گروه قیدی می‌نامیم زیرا مهمترین عنصر آن (یعنی هسته) قید صبورانه است. بسیار که خود نیز یک قید است، وابسته هسته محسوب می‌شود. قید ظاهراً نیز به نوبه خود بسیار صبورانه را مقید کرده است و بنابراین وابسته این گروه محسوب می‌شود. بنابراین، نمودار درختی این ساخت به شکل زیر خواهد بود:

مثال (۶)



از جمله رسالت‌های دستورنویس ایجاد تمایز صوری یا توزیعی میان مقوله‌های گروهی است. از آنجا که هدف این تحقیق، تحلیل گروه قیدی فارسی است، بنابراین، در بخشی از همین تحقیق به بررسی و بیان ویژگی‌های صوری و توزیعی این گروه خواهیم پرداخت؛ به گونه‌ای که این گروه از دیگر مقوله‌های نحوی متمایز گردند.

۵-۲. نقش‌های نحوی مقوله‌های نحوی

هر مقوله نحوی در بافت‌های گوناگون همواره نقش یا نقش‌های نحوی (syntactic functions) معینی را ایفا می‌کند. به عنوان مهمترین نقش‌های مورد بحث در سطح بند می‌توان به متمم (complement)، ادات و اسناد

(predicant) اشاره کرد. برای نمونه، در مثال زیر، گروه اسمی دولت آمریکا به عنوان فاعل ظاهر شده است.^۱ دو گروه حرف اضافه‌ای به شدت و از پیشرفت جدید جمهوری اسلامی ایران نیز ایفاگر نقش ادات هستند، و گروه فعلی ابراز نگرانی کرد نشانگر نقش اسناد است.

(۷) دولت آمریکا به شدت از پیشرفت جدید جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرد. [خبرجنوب ۸۷/۱۱/۱۶ ص ۳۳]

فاعل	ادات	ادات	اسناد
------	------	------	-------

آن گونه که شاهد خواهیم بود، گروه‌های قیدی نیز در نقش‌های نحوی از قبیل ادات، وابسته صفات در گروه‌های صفتی، وابسته قیود در گروه‌های قیدی ظاهر می‌شوند. قیود در نقش ادات معمولاً مقید کننده گروه فعلی یا کل جمله می‌شوند. پس از این در این باب با تفصیل بیشتر بحث خواهد شد.

۳-۵. نقش معنایی مقوله‌های نحوی

تا پیش از نیمه دوم قرن بیستم عمده توجه در توصیفات دستوری تنها بر دو جنبه صوری و نحوی مقولات دستوری متمرکز بود. از این زمان به بعد، زبان‌شناسانی که به دستوریان حالت (case grammarians) شناخته شدند، نقش‌های بسیار مهمی را برای مقوله‌های نحوی قایل شدند که تا آن زمان مورد غفلت واقع شده بود. دستوریان حالت بر این باور بودند که هر مقوله نحوی، از قبیل گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای و امثال آن صرفنظر از ویژگی‌های توزیعی و نقش نحوی، بیانگر نقشی معنایی است که باید در توصیف‌های نحوی لحاظ شود، در غیر این صورت، توصیف دستوری ناقص خواهد بود. برای مثال، در دو جمله زیر علی‌رغم اینکه یک مقوله صوری یکسان یعنی دامداران خسارت دیده فارس در دو نقش نحوی متفاوت ظاهر شده است، نقش معنایی در هر دو مورد یکسان است؛ یعنی در (۹ الف) گروه اسمی دامداران خسارت دیده فارس در جایگاه فاعل قرار دارد، در حالی که همین گروه در (۹ ب) در جایگاه مفعول غیرمستقیم قرار گرفته است. با وجود این، این گروه اسمی از یک جنبه یکسانند؛ بدین معنا که در هر دو مورد خسارت دیده‌ها از یک چیز بهره‌مند شده‌اند و آن گرفتن غرامت است. بنابراین، می‌توان گفت که همواره بر هر مقوله نحوی یک نقش معنایی مترتب است.

(۸) الف. دامداران خسارت دیده فارس سه میلیارد تومان غرامت گرفتند. [خبرجنوب ۸۷/۱۰/۲۶ ص ۵]

ب. به دامداران خسارت دیده فارس سه میلیون تومان غرامت داده شد.

۱. برای هادلستون و پولوم (۲۰۰۲) فاعل یک نقش نحوی از نقش‌های پنجگانه‌ای است که تحت عنوان متمم بیان می‌شود. به دیگر سخن، از نظر ایشان فاعل، مفعول مستقیم، متمم فاعلی (predicative complement of subject)، متمم مفعولی (predicative complement of object) و متمم حرف اضافه (complement of preposition) پنج مصداق از نقش‌های متممی هستند.

۶. گروه قیدی و ویژگی‌های توزیعی

در زبان فارسی، بسیاری از قیدها از ترکیب پسوند *انه* با یک صفت ساخته می‌شوند. هوشمندانه، زیرکانه و عاقلانه نمونه‌هایی از این دست هستند، اما در این باب چند نکته قابل ملاحظه است: نخست، «*انه*» علامت اختصاصی قید نیست، چه اینکه بسیاری از صورت‌های مختوم به این پسوند هم در جایگاه صفت و هم در جایگاه قید ظاهر می‌شوند، مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این دست هستند:

(۹) الف. اشعار عاشقانه سعدی را بسیار خوانده‌ام.

ب. مهدی عاشقانه قلم می‌زند.

دوم، صورت‌هایی از قبیل *شبانه*، *روزانه* و *ماهانه* که به طور اصولی از ترکیب اسم و «*انه*» درست شده‌اند، هم در جایگاه صفت و هم در جایگاه قید ظاهر می‌شوند. سوم، پسوند «*انه*»، علامت اجباری قید یا صفت نیست، کما اینکه صورت‌هایی از قبیل *آرام*، *سریع*، و *دقیق* در هر دو جایگاه صفت و قید ظاهر می‌شوند. در مواردی اینچنین که عناصر واژگانی یکسانی به دو مقوله نحوی متفاوت تعلق دارند، مناسب‌ترین راه ایجاد تمایز میان گروه‌های قیدی و گروه‌های صفتی، استفاده از ملاکهای توزیعی خواهد بود. منظور از ملاک‌های توزیعی، جایگاه‌هایی است که هر کدام از این دو مقوله نحوی در ساخت‌های گوناگون به خود اختصاص می‌دهند. ما در زیر، برخی از این ملاک‌ها را معرفی خواهیم کرد:

ملاک نخست: گروه‌های قیدی اصولاً در جایگاه وابسته در گروه فعلی (واژگانی) ظاهر می‌شوند، در حالیکه

گروه‌های صفتی در این جایگاه جایی ندارند:

(۱۰) الف. پیام بسیار خوب حرف می‌زند.

ب. *مهدی خیلی هنرمند می‌نویسد.

در (۱۰) الف) بسیار خوب در جایگاه وابسته گروه فعلی ظاهر شده و بنابراین گروه قیدی است، در حالی که خیلی هنرمند از آن جهت که بنا به ماهیت گروه قیدی نیست نمی‌تواند در این جایگاه ظاهر شود و به همین دلیل جمله (۱۱) ب) غیر دستوری شده است.

ملاک دوم: گروه قیدی در جایگاه وابسته گروه صفتی ظاهر می‌شود، در حالی که گروه صفتی چنین ظرفیتی

ندارد:

(۱۱) الف. کتاب ظاهراً بسیار گران

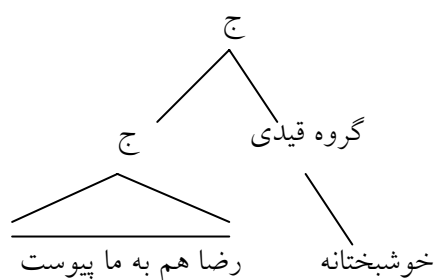
ب. *خانه زیبا بسیار گران

در (۱۱) الف)، ظاهراً در جایگاه وابسته گروه صفتی بسیار گران ظاهر شده است و بنابراین، گروه قیدی محسوب می‌شود، در حالی که در (۱۱) ب)، زیبا ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه وابسته گروه صفتی را ندارد و از این رو، گروه قیدی محسوب نمی‌شود.

ملاک سوم: گروه مشخصی از قیود که آنها را قید جمله می‌نامیم، به عنوان سازه موازی با کل جمله ظاهر می‌شوند، در حالی که هیچ کدام از گروه‌های صفتی چنین ظرفیتی ندارند. در (الف۱۲)، خوشبختانه کل جمله را مقید ساخته، اما زرنگ در (ب۱۲) جمله را غیرقابل قبول ساخته است، نظر خوانندگان را برای اطلاع بیشتر از این ملاک به راسخ مهند (۱۳۸۲) معطوف می‌داریم. جایگاه خوشبختانه را می‌توان در نمودار درختی زیر مشاهده کرد:

(۱۳) الف. خوشبختانه، رضا هم به ما پیوست.

ب. *زرنگ، رضا هم به ما پیوست.



ملاک چهارم: گروه‌های صفتی در جایگاه وابسته در بسیاری از گروه‌های اسمی که به پدیده‌های مادی دلالت دارند، ظاهر می‌شوند، در حالی که گروه‌های قیدی چنین ظرفیتی را ندارند:

(۱۴) الف. کتاب‌های جدید این نویسنده مورد استقبال قرار گرفت.

ب. *آدمهای عجولانه موفق نیستند.

در مثال (الف۱۴)، جدید توصیفگر کتاب‌ها است و بنابراین، گروه صفتی محسوب می‌شود، در حالی که «عجولانه» در مثال (ب۱۴) ظرفیت توصیف آدمها را ندارد، زیرا گروه صفتی نیست، بلکه یک گروه قیدی است. به دیگر سخن، ترکیب «*آدمهای عجولانه» را از آن جهت غیرقابل قبول می‌دانیم که «عجولانه» در جایگاه ویژه گروه صفتی به کار رفته است. اما باید عنایت داشت که هرگاه گروه اسمی حاکی از یک فرآیند و امثال آن باشد، آن گاه صورت‌هایی از قبیل «عجولانه» که هم ظرفیت استفاده در جایگاه قید و هم ظرفیت استفاده در جایگاه صفت را دارد، در جایگاه وابسته اسم ظاهر می‌شود. در (الف۱۵)، عجولانه به ویژگی یک فرآیند اشاره دارد که در قالب یک گروه اسمی به نام «تصمیم‌ها» ظاهر شده است، اما «عجولانه» در (ب۱۵) به چگونگی یک رخداد به نام عمل کردن اشاره دارد که در شکل یک فعل ظاهر شده است:

(۱۵) الف. تصمیم‌های عجولانه رئیس همه را مأیوس کرده است. [گروه صفتی]

ب. ما عجولانه عمل کردیم [گروه قیدی]

ملاک پنجم: بسیاری از گروه‌های صفتی گروه‌های اسمی را به عنوان متمم خود می‌پذیرند، در حالی که گروه‌های قیدی هیچ گاه چنین ظرفیتی ندارند. در (الف۱۶)، گروه اسمی «جاه» و «مال» در جایگاه متمم گروه صفتی

ظاهر شده است، در حالی که در (۱۶ب)، گروه اسمی /این رفتار ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه متمم گروه قیدی «عاقلانه» را ندارد:

(۱۶) الف. مواظب باش فریفته‌ت جاه و مال نشوی.

ب. *حسن عاقلانه /این رفتار عمل کرد.

ملاک ششم: گروه‌های صفتی می‌توانند گروه‌های حرف اضافه‌ای را به عنوان متمم بپذیرند، در حالی که گروه‌های قیدی غیر تفضیلی و غیرعالی چنین ظرفیتی را ندارند:

(۱۷) الف. تیم بسیار معرور از پیروزی خود، حریف را تحقیر کرد.

ب. *حسن عاقلانه از رفتار عمل کرد.

ملاک هفتم: بعضی از صفات بند را به عنوان متمم می‌پذیرند، اما هیچ قیدی ظرفیت پذیرش بند به عنوان متمم را ندارد:

(۱۸) همه خوشحالند که مشکل به راحتی حل شد

(۱۹) *متأسفانه که مشکل به راحتی حل شد

گفتمنی است که طیب زاده (۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۹۵) در بافت بررسی ظرفیت افعال فارسی، به‌طور مبسوط به بررسی ویژگی‌ها و انواع متمم‌های فارسی از جمله بندهای متممی پرداخته، راههای تمایز آنها از یکدیگر را شرح می‌دهد، اما اشاره مشخص و مستقیمی به ملاک مورد نظر ما ندارد.

ملاک‌های هفتگانه توزیعی فوق برای تشخیص و تمایز گروه‌های قیدی فارسی از گروه‌های صفتی کافی به نظر می‌رسد. در اینجا علامت √ به معنای وجود، و علامت × به معنای عدم وجود ویژگی مورد بحث است:

وابسته گروه فعلی واژگانی	وابسته گروه صفتی	سازه موازی جمله	وابسته هسته گروه اسمی	پذیرش متمم اسمی	پذیرش متمم حرف اضافه‌ای	پذیرش متمم بندی	
√	√	√	×	×	×	×	گروه قیدی
×	×	×	√	√	√	√	گروه صفتی

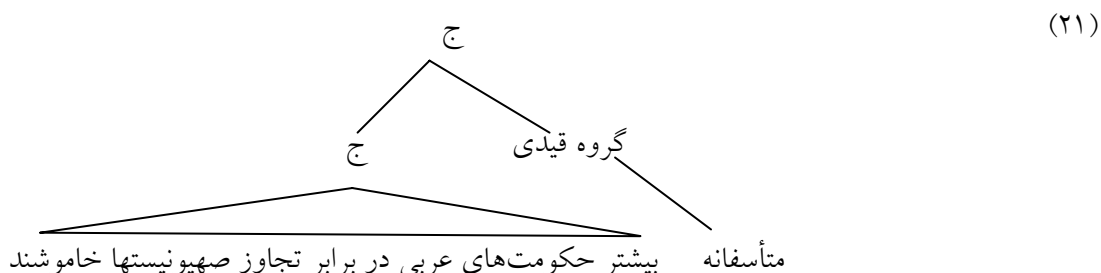
جدول نوع توزیع گروه‌های قیدی و گروه‌های صفتی

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، گروه‌های قیدی جایگاه‌هایی را به خود اختصاص می‌دهند که به‌وضوح با جایگاه‌های گروه‌های صفتی متفاوتند. ملاک‌های فوق ما را از توسل به ملاک‌های ذهنی برای تعریف مقوله قید و گروه قیدی بی‌نیاز می‌سازد.

۷. نقش‌های نحوی گروه‌های قیدی

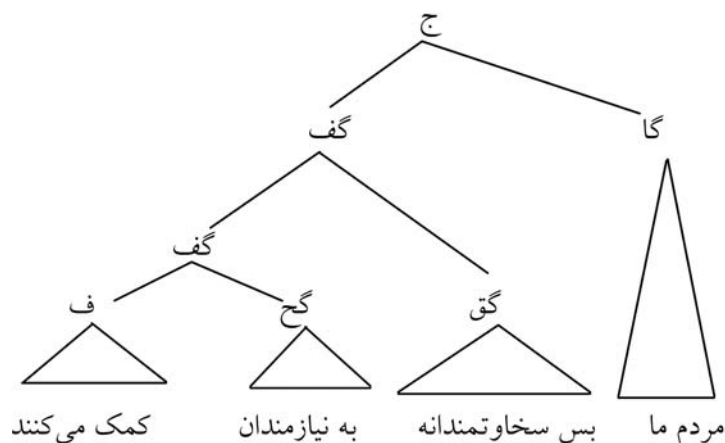
در تمام مکتب‌های زبان‌شناختی، بر هر مقوله نحوی همواره یک نقش نحوی مترتب و ملازم است. از این رو در این بخش، به تحلیل و تشریح نقش‌های نحوی گروه‌های قیدی فارسی خواهیم پرداخت. گروه‌های مختلف قیدی به سه دسته کلی که عبارتند از قیود ویژه جمله، قیود ویژه فعل و قیود ویژه صفت یا قید، قابل تقسیم‌اند. این سه دسته در چهار نقش نحوی که شامل ادات، وابسته گروه فعلی، وابسته گروه قیدی و وابسته گروه صفتی است، ظاهر می‌شوند. دسته نخست از قیود، گروه‌هایی هستند از قبیل خوشبختانه، متأسفانه، اتفاقاً و امثال آنها، که کل جمله را توصیف می‌کنند. دسته دوم برای مقید ساختن گروه‌های فعلی به کار می‌روند. دسته سوم که معمولاً تک کلمه‌ای هم هستند، هم در نقش وابسته دیگر گروه‌های قیدی، و هم در نقش توصیفگر گروه‌های صفتی ظاهر می‌شوند. نمونه‌هایی از این دست عبارت از خیلی، بسیار و ظاهراً هستند. اکنون نمونه‌ای از هر کدام از چهار نقش را در زیر ملاحظه خواهید کرد. در مثال (۲۰)، گروه قیدی متأسفانه در نقش ادات برای توصیف کل جمله ظاهر شده است، چون گوینده با استفاده از این گروه قیدی موضع و نظر خود را در باب کل رخداد بیان می‌کند:

(۲۰) متأسفانه، بیشتر حکومت‌های عربی در برابر تجاوز صهیونیست‌ها خاموشند.

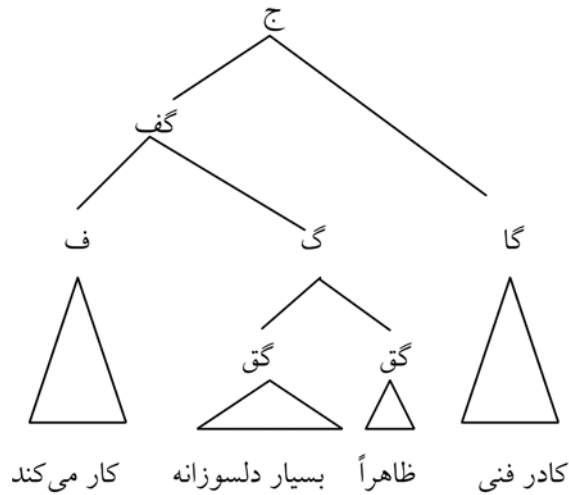


در مثال زیر، گروه قیدی بسی سخاوتمندانه در نقش ادات برای گروه فعلی ظاهر شده است و از این رو، به کم و کیف کمک کردن دلالت دارد. در این حالت، گروه قیدی را سازه موازی فعل می‌دانیم:

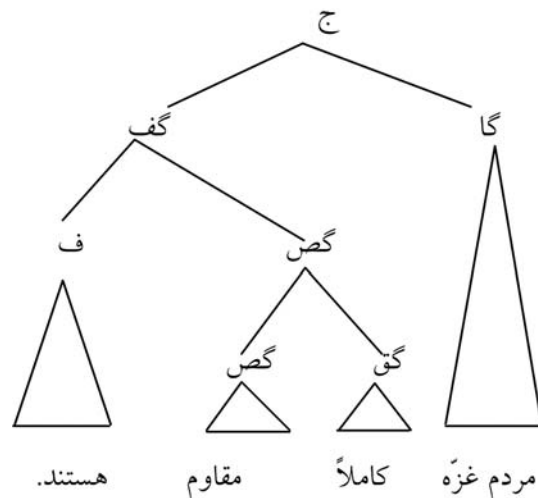
(۲۲) مردم ما بسی سخاوتمندانه به نیازمندان کمک می‌کنند.



در جمله زیر گروه قیدی «ظاهراً» در نقش وابسته گروه قیدی «بسیار دلسوزانه» به کار رفته است: (۲۳) کادر فنی ظاهراً بسیار دلسوزانه کار می‌کند.



در ساخت زیر، گروه قیدی کاملاً در نقش وابسته گروه صفتی مقاوم ظاهر شده است: (۲۴) مردم غزه کاملاً مقاوم هستند.



با توجه به نمونه‌های فوق، می‌توان گفت که گروه‌های قیدی هم در نقش هسته و هم در نقش وابسته پیشرو ظاهر می‌شوند. اگرچه داویننگ (۲۰۰۶:۵۰۳) معتقد است که گروه‌های قیدی در نقش متمم یک گروه قیدی دیگر نیز ظاهر می‌شوند، اما نمونه‌های ارائه شده از سوی وی همگی از نوع گروه‌های حرف اضافه‌ای و بند هستند. شایان ذکر است که تعداد بسیار محدودی از افعال از قبیل «رفتار کردن» هستند که بنا به ماهیت معنایی نیاز به یک گروه قیدی دارند. ضمن ارایه نمونه (۲۵)، خوانندگان را جهت اطلاعات بیشتر به رحیمیان (۲۰۰۷) ارجاع می‌دهیم:

(۲۵) الف. پسر، با همه صبورانه رفتار کن

ب. * پسر با همه رفتار کن

۸. نقش معنایی گروه‌های قیدی

در هر زبان واژه‌ها، عبارات یا حتی جملاتی یافت می‌شوند که به زمان، مکان، کم و کیف، شرایط، دلیل و یا شیوه رخدادها دلالت می‌کنند. ابزار بیان این مفاهیم را می‌توان در میان گروه‌های اسمی، گروه‌های قیدی، و گروه‌های حرف اضافه‌ای و جملات جستجو کرد (رحیمیان ۱۳۸۴). اگر بپذیریم که صورت‌هایی از قبیل: *امروز، فردا، اینجا، آنجا* و امثال آنها چه به لحاظ جایگاه آنها در جمله، و چه به لحاظ مفهومی سنخیت چندانی با گروه‌های قیدی ندارند، آنگاه باید اذعان داشت که سهم گروه‌های قیدی در بیان مفاهیم زمان و مکان رخداد بسیار محدود است و بسیاری از این مفاهیم با استفاده از گروه‌های حرف اضافه‌ای یا گروه‌های اسمی بیان می‌شوند. برای مثال، عبارت *مورب در مثال (۲۶)* از لحاظ صوری گروه حرف‌اضافه‌ای، از جنبه نقش نحوی ادات و از لحاظ معنا نشانگر مکان رخداد است:

(۲۶) مهدی را در رستوران دیدم.

همچنین، عبارت *مورب در مثال (۲۷)* را از لحاظ صوری گروه اسمی، از جنبه نقش نحوی ادات و از لحاظ معنا نمایانگر زمان رخداد می‌پنداریم:

(۲۷) رضا هفته آینده به تهران می‌رود.

به هر حال، گروه‌های قیدی فارسی با تصویری که در بخش‌های ۶ و ۷ همین تحقیق از آنها ارائه شد، به طور عمده برای بیان معانی و مفاهیم بسیار متنوع به کار گرفته می‌شوند. گوینده گاهی با استفاده از یک گروه قیدی به ویژگی و شیوه وقوع رخداد اشاره می‌کند؛ مثلاً نشان می‌دهد که سرمایه یک شرکت آرام آرام، ناگهانی، منطقی، به طور معقول، به طور غیرقانونی و یا به صدها شیوه دیگر افزایش یافته است. در این شرایط و شرایط مشابه، یک گروه قیدی برای بیان شیوه رخداد به کار می‌رود. گاهی یک گروه قیدی برای ویژگی وقوع رخداد استفاده می‌شود. مثلاً در برابر مشاهده یک دستخط، می‌گوییم که این خط زیبا، هنرمندانه، استادانه و امثال آن نوشته شده است. گاهی گوینده با استفاده از یک گروه قیدی که اغلب اوقات از یک تک کلمه تشکیل شده است به بیان نظر و دیدگاه خود در برابر کل رخداد که در قالب یک جمله بیان شده می‌پردازد. *خوشبختانه، اصولاً، به طور اساسی، البته، شاید،* و امثال آن نمونه‌هایی از این دست هستند. گروه‌های قیدی گاهی نیز برای اشاره به کم و کیف مفاهیم قیدی و وصفی به کار می‌روند؛ مثلاً وقتی می‌گوییم *حسین بسیار شجاعانه سخن گفت*، در اینجا بسیار بر شدت شجاعت حسین در سخن گفتن اشاره دارد. یا وقتی می‌گوییم *این کتاب، اثر نسبتاً مفیدی است*، نسبتاً میزان تقریبی مفید بودن کتاب را نشان می‌دهد. تهیه فهرست کاملی از معانی و مفاهیمی که به وسیله گروه‌های قیدی برای گروه‌های صفتی، گروه‌های قیدی، گروه‌های فعلی و انواع جملات بیان می‌شود، به علت گستردگی کار ساده‌ای نیست و فراتر از گنجایش پژوهشی اینچنین است. از این رو، با استفاده از مشکوه‌الدینی (۱۳۷۹) و رحیمیان (۱۳۸۱ و ۱۳۸۴) به بخشی از کلی‌ترین و متداولترین نقش‌های معنایی گروه‌های قیدی به همراه مثالهایی خود ساخته اشاره خواهیم داشت:

الف. بیان حالت/شیوه/چگونگی رخداد:

(۲۸) مهدی بسیار مستائل سخن می گوید.

(۲۹) طلا را گرمی می فروشند.

(۳۰) پیام درازکش تلویزیون تماشا کرد.

ب. زمان رخداد:

(۳۱) لشکر شبانه محل را ترک کرد.

پ. ظرف زمانی رخداد:

(۳۲) بچه‌ها کار را سه ساعته تمام کردند.

ت. تکرار رخداد:

(۳۳) گاه‌گاهی به دیدار او می‌روم.

ث. بیان درجه:

(۳۴) این شعر را بسیار دوست دارم.

ج. بیان احتمال/امکان/ضرورت رخداد:

(۳۵) احتمالاً دیر به جلسه می‌رسم.

(۳۶) حتماً جریمه را پرداخت کن.

چ. بیان وسیله:

(۳۷) نامه را هوایی بفرست.

ح. بیان دیدگاه و نظر:

(۳۸) خوشبختانه، جایزه را بردیم.

خ. مقدار یا اندازه:

(۳۹) کمی اینجا استراحت کرد.

د. بیان ترتیب:

(۴۰) اولاً که اشتباه می‌کنی، ثانیاً عجله نکن.

ذ. بیان انحصار:

(۴۱) خصوصی با هم صحبت کردیم.

ر. بیان آرزو:

(۴۲) کاشکی به دیدار او می‌رفتم.

۹. نتیجه گیری

این تحقیق نشان داد برخلاف بسیاری از نگرش‌ها که اصطلاح قید و گروه قیدی را چنان گسترده به کار می‌گیرند که گروه‌های حرف اضافه‌ای و حتی برخی از گروه‌های اسمی را نیز شامل می‌شود، این گروه مقوله‌ای نحوی با ماهیتی مستقل است که با توجه به ویژگی‌های توزیعی آن که به هفت مورد از آنها در این تحقیق اشاره شد، به راحتی

از دیگر مقولات قابل تشخیص و تمایز است و اصطلاح گروه قیدی تنها به این مقوله قابل اطلاق است. نقش‌های نحوی که گروه‌های قیدی ظرفیت ایفای آنها را دارند، چهار مورد است که عبارتند از: مقید ساختن گروه صفتی، گروه قیدی، گروه فعلی و جمله. بر خلاف نگرش عامه، نقش معنایی گروه‌های قیدی در بیان زمان و مکان وقایع بسیار کم رنگ‌تر از نقش‌هایی است که این گروه در بیان دیگر ویژگی‌های رخدادها از قبیل شیوه، چگونگی، کمیت و کیفیت رویدادها ایفا می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد تمایزی سه‌گانه در تحلیل مقوله‌های دستوری بسیار ضروری است.

کتابنامه

- افراشی، آریتا. (۱۳۸۶). *ساخت زبان فارسی*. تهران: سمت.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۲) "قید فعل و قید جمله در زبان فارسی" در *مجله زبان‌شناسی*، سال هجدهم، شماره اول بهار و تابستان، صص. ۹۵ - ۱۰۰
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۱) *دستور زبان فارسی: صورت، نقش، معنا، شیراز: چاپخانه دانشگاه شیراز*.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۵) «تحلیل نحوی معنایی ادات در زبان فارس» در *فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، جلد دوم، شماره پیاپی ۲. صص. ۱۶۰-۱۴۲.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳) *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات نوین.
- طیب زاده، امید (۱۳۸۵) *ظرفیت فعل و ساختهای بنیادین جمله در فارسی امروز*، تهران: نشر مرکز.
- گیوی، احمد و انوری حسن (۱۳۷۰) *دستور زبان فارسی*، تهران: فاطمی.
- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۸۰) *ساخت زبان فارسی*، تهران: انتشارات احیاء کتاب.
- مشکوٰه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹) *دستور زبان فارسی: بر پایه نظریه گشتاری*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی
- مشکوٰه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*. تهران: سمت
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی (۱)، تهران: سمت.

Downing, A. (2006) *English Grammar: A University Course*. London: Routledge.

Huddleston, R D And P K Pullum (2002) *The Cambridge Grammar of The English Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Rahimian, Jalal (2007). "How Complements Differ From Adjuncts In Persian" *Rask (Internationalt Tidsskrift For Sprog Og Kommunikation)*, 26: 33-55